

غول‌هایی با پاهای رُسی

(در حاشیه مواضع اخیر اپوزیسیون راست حول سقوط بشار اسد)

فواد عبداللہی

دنیا می‌داند که سقوط سیاسی بشار اسد، برآیند دخالت توده‌های مردم در یک جنبش انقلابی نبود؛ دست بدست شدن قدرت سیاسی از بالا در سوریه، بدون لطمه به نهاد دولت، ارتش، و نظام سیاسی و اداری آن مملکت، با اتکاء به مذاکرات و بند و بست‌های پشت پرده، و با زد و بندهای بین‌المللی، چنان آشکار بود که نیازی به گواه ندارد.

رسانه‌های رسمی این نوع ساقط شدن را "آزادی مردم سوریه" جار زدند و هجوم باندها و دستجات اسلامی مسلح به آخرین تجهیزات نظامی مدرن را با لقب "شورشیان سوری" مونتاژ کردند. آینده سوریه در این سناریوی سقوط با شراکت کثیف‌ترین عناصر سیاه و با دخالت علنی دولت‌های مرتجع منطقه تا هم‌اکنون نفس میلیون‌ها انسان را در سینه حبس کرده است. طولی نکشید که در پس شادی کوتاه مدت مردم سوریه و خلاصی مقطعی از زندان‌ها و سیاه‌چاله‌های حکومت اسد، یک دلهره عظیم اجتماعی از آینده کدر و معلق که کل جامعه سوریه تحت کنترل نیروها و کنترال‌های مرتجع‌تر از اسد به بار آورده است، سر باز کرد. پربیراه نیست که افکار مترقی و انساندوست در جوامع غربی، به نشانه‌ی حمایت از این نوع ساقط شدن‌ها و سرنگونی‌های مخملی که با دیپلماسی پشت پرده قدرت‌های مرتجع جهانی و منطقه‌ای طراحی شده‌اند،

صفحه ۳

لایحه‌ی عفاف و حجاب، شکست حکومت اسلامی در برابر

اراده مردم

مونا شاد

لایحه‌ی عفاف و حجاب، یک پروژه‌ی ارتجاعی و محکوم به شکست از سوی رژیم اسلامی است که هدفش نه تنها فشار بیشتر بر زنان، بلکه سرکوب هر گونه آزادی فردی و انسانی است. این لایحه نه فقط حمله‌ای به حقوق و کرامت زنان، بلکه تلاشی برای گسترش حاکمیت قرون وسطایی رژیم در جامعه است. تلاشی که به سرعت شکست خورد!

مسئله‌ای که در پس این قانون پنهان شد، ترس و وحشت عظیم رژیم از جنبش زنان است. رژیم اسلامی که به شدت از خیزش‌های اعتراضی در ایران به وحشت افتاده و زیر فشار مردم، با تشنیت و انشقاق بیشتر روبرو شد و جرات نکرد این مصوبه را برای اجرا در دستور خود بگذارد. کشمکش و اختلاف بر سر این مصوبه به جایی رسید که آنرا به بهانه "اصلاحات احتمالی به فرایند تصویب" به "شورای امنیت ملی" سپردند و تا اطلاع ثانوی از دستور خارج کردند. و این خود بزرگترین

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
هفتگی ۵۴۲

نخستین شماره

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ - ۲۹ آذر ۱۴۰۳

نظم نوین نتانیاہو

"همینطور که هست خوب است!"

مظفر محمدی

با شکست بلوک شوروی، امریکا مدعی سرکردگی جهان و برقراری "نظم نوین جهانی" شد. این کار به یک سناریوی خونین نیاز داشت. حمله به عراق به بهانه دفاع از کویت و نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی صدام، "سلاحی که هیچوقت پیدا نشد"، آغاز سناریوی خونین "نظم نوین جهانی" بوش بود. شکست بهار عربی با کشتار جمعی در لیبی و سوریه و به قدرت رساندن ژنرال سیسی در مصر توسط امریکا و متحدینش پرده‌ی دیگر این سناریو بود.

اما گیر افتادن امریکا و غرب در باتلاقی که خود در خاورمیانه ایجاد کردند، فرار از افغانستان و تحویل این کشور به طالبان، واگذاری عراق و سوریه به جمهوری اسلامی و روسیه، عروج چین، ژاپن، آلمان و... به عنوان غولهای صنعتی جهان، افول "نظم نوین جهانی" و قدرقدرتی امریکا و تصویر جهان چند قطبی بود.

نتانیاہو هم با نسل کشی و با خاک یکسان کردن نوار غزه و غرش جت‌های جنگی اش بر فراز سر مردم بیروت...، نظم نوین خود را اعلام کرد. در سناریوی نظم نوین نتانیاہو، اسرائیل باید به قدرت اول خاورمیانه تبدیل شده و علاوه بر بازماندگان کشتار جمعی غزه و فلسطین، کشورهای دیگر خاورمیانه این موقعیت او را به رسمیت بشناسند.

این رویا هرگز متحقق نمی‌شود، حتی اگر نوار غزه و بلندترین نقطه جولان سوریه را اشغال و ضمیمه‌ی اسرائیل کند و یا زیرساخت‌های ایران را به بهانه‌ی برنامه اتمی جمهوری اسلامی بمباران کند. اما می‌تواند برای مدتی سایه‌ی جنگ را بر فراز خاورمیانه نگه دارد.

صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

نظم نوین نتانياهو

مظفر محمدي

نتانياهو و حكومت نژادپرست او مورد تنفر و انزجار افكار عمومي جهان و مخالفت انساندوست هاي داخل اسرائيل است.

طبقه كارگر و مردم آگاه در سطح بين المللي مي توانند ميليتاريسم امريكا و ناتو و اسرائيل را مهار كنند. تا زماني كه اين حكومت هاي شر و شرور پا برجا باشند، جهان و بويژه خاورميانه روي خوش نخواهدديد.

همينطور كه هست خوب است

حكام سرمايه داري جهان و ميدياي نوكرشان و اپوزيسيون راست جمهوري اسلامي، تحولات سوريه را به نفع مردم اين کشور مي دانند و ميگويند، "همينطور كه هست خوب است." دول غربی صف كشيده اند تا نمايندگي هايشان در دمشق پذيرفته شوند. مدام اين ورد اميد را دور خود فوت مي كنند كه "تحرير الشام"، داعش و القاعده و طالبان نيست و ورژن ديگري از اسلام سني است و مودب و متمدن شده است.

امريكا و غرب ريبكار زير بازوي خميني را گرفتند و بر تخت سلطنت محمد رضا شاه نشاندهند، طالبان را عليه حكومت سكو لار افغانستان مسلح كردند، اقوام و عشاير عراق را بعنوان دولت مردم سر كار آوردند، اقوام و نظاميان ليبی را بعنوان حكومت به مردم فروختند تا شركت هاي مثل توتال فرانسه كنترل نفت اين کشور را در دست بگيرد.

ببينيد دنيا چقدر سياه شده است كه گروه تروريستي "تحرير الشام" به قدرت ميرسد و از اين كه حجاب را ممنوع نكرده و مشروب فروشي هارا نبسته برايش كف مي زنند. در دنياي مدرن و متمدن با آرمان هاي آزاديخواهي و برابري طلبي، پذيرش يك جريان ارتجاعي و يك فرقه ايدئولوژيك ديني بعنوان دولت و حكومت كشوري كه مردمش تا يك دهه قبل سكو لار بوده اند، شرم آور است. اما براي دولت هاي بورژوايي جهان، پايين آوردن توقع بشر و رضايت دادن به يك گروه تروريست اسلامي، خوشايند است. بورژوازي انسان كاركن و توليد كننده ي سربه زير و كم توقع و قانع مي خواهد. بورژوازي بين المللي با وقاحت كم نظيري شاهد پرپر شدن انسان، تحقير و اهانت به زن و پيكر زخمي و خونين خاورميانه هستند. اين نظم نويني است كه نتانياهو و دول بورژوايي امريكا و غرب حامی او می خواهد.

اما بشريت متمدن، آزاديخواه و برابر طلب نبايد بگذارد اين اوضاع، عقب گرد سياسي، فرهنگي و اخلاقي به جهان تحميل شود. دخالتگري نظامي امپرياليست ها، نژادپرستي، ميهن پرستي، تعصب مذهبي و تروريسم و ژورناليسم نوكر هر کدام گوشه اي از نيروهاي سياه هستند و مشخصات واقعي "نظم نوين" نتانياهو و حاميانش را تشكيل مي دهند.

هم اكنون در ايران كه بخشي از خاورميانه ي تحت حاكميت جمهوري اسلامي حامی گروههاي تبهكار و تروريست اسلامي در منطقه است، زير ضرب اعتراضات و اعتصابات كارگري و زحمتكشان و جنبش زنان براي آزادي و برابري و جوانان براي رهايي قرار گرفته است. سرنگوني جمهوري اسلامي به معنای فرو ريختن يك ركن اسلام سياسي و حكومت هاي ديني و تبعاتش در خاورميانه است. به زير كشيدين دولت فاشيست اسرائيل توسط جنبشي آزاديخواهانه در اسرائيل ميتواند فروريزي پايه ديگر ارتجاع در منطقه باشد.

۱۸ دسامبر ۲۰۲۴

لايحه ي عفاف و حجاب، ...

مونا شاد

اعتراف به شكست رژيم در مقابل قدرت و اراده مردم است.

اين عقب نشيني رژيم از ابلاغ مصوبه "عفاف و حجاب"، نه فقط يك عقب نشيني تاكتيكي، بلكه نشانه اي از وحشت حاكميت از اعتراضات گسترده توده اي و تكرار تجربه "هراسناك" رژيم در سال ۱۴۰۱ است. رژيم اين عقب نشيني را در قالبی "قانونی" و "رسمی" برد و اعلام كردند. قاليباف، رئيس مجلس حكومت اسلامي و مبتكر اين قانون، از ابلاغ اين قانون خودداري کرده و از مسعود پزشكيان، درخواست كرد كه اصلاحيه هاي خود را به مجلس ارسال كند! حكومت جنايتكاري كه زباني جز سركوب نمي شناسد، امروز با ترس از واكنش هاي مردم به اين تعرض، قادر به اجراي قوانين خود نيست.

مبارزات زنان در ايران، كه پس از خيزش مهسا اميني به اوج خود رسيد، ديگر به اعتراض صرف عليه حجاب تقليل نمي يابد. زنان در ايران ديگر نه فقط عليه يك "پوشش"، بلكه عليه كل سيستم ضد زن و ديكتاتوري كه در جامعه حاكم است، مي جنگند. رژيم اسلامي به خوبي مي داند كه اين مبارزات چنان راديكال و قدرتمند شده است كه هيچگونه تعرضي زير پوشش "قانون جديد" نمي تواند آن را مهار كند. اعتراضات زنان امروز ديگر اعتراض يك بخش يا نيمي از جامعه عليه بيحقوقی مطلق نيست، بلكه يك انقلاب اجتماعي در درون جامعه است كه هر روز بالغ تر، توده اي تر و عميقتر شده و عليه تماميت جمهوري اسلامي است. جنبش آزادي و رهايي زن، كه ديگر نه تنها در خيابان ها و دانشگاه ها بلكه در دل هر فرد آزاديخواه در ايران و جهان گسترش يافته، به طور قطع هيچگاه از پای نخواهد نشست.

رژيم اسلامي به خوبي مي داند كه اعتراض و مقابله با قانون "عفاف و حجاب" فقط نقطه آغازي خواهد بود؛ چرا كه امروز از هر سو در مقابل موج اعتراضات، از دانشگاه ها گرفته تا مراكز توليد و كوچه ها و خيابان ها، با مقاومت هاي خشمگينانه و انقلابي مردم روبروست. ميداند بويژه در دانشگاه ها، جايي كه دانشجويان همواره پيشگام مبارزات آزاديخواهانه بوده اند، هر گونه تلاش براي سازمان دادن چنين تعرض هاي ارتجاعي به مثابه اعلام جنگي به آزادي هاي فردي و اجتماعي خواهد بود و به گسترش مقاومت ها در دانشگاه ها منجر خواهد شد. دانشگاه هاي كه مدت ها است به ميدان هاي نبرد براي آزادي تبديل شده اند.

تاريخ ثابت کرده و خود حاكميت اسلامي خوب مي داند كه اين قانون و تمام سياست هاي ارتجاعي آن در مقابل مقاومت هاي گسترده توده اي به شكست مي انجامد. كما اينكه تا امروز نتوانسته نه حجاب و نه هيچ بيحقوقی ديگري را به مردم تحميل كند. مردم، عليرغم هزينه هاي بالا براي مقابله با چنين تعرضهايي، هرگز از مطالبات آزاديخواهانه و برابري طلبانه خود عقب ننشستند و برعكس قوانين انساني و راديكال خود را به حاكميت تحميل کرده اند. هر تعرض جمهوري اسلامي به آزاديهاي فردي و اجتماعي مردم، عليرغم به راه افتادن دستگاه سرکوب آن در جامعه

عاقبت زير فشار مقاومت گسترده توده اي، به عقب نشيني بي سروصدا تبديل شده است و اين فقط ناشی از قدرت و مبارزه ي مردم در برابر حملات حاكميت است. در اين جدال پيروز ميدان هميشه مردم بوده اند. اينبار هم مبارزات زنان و مردان آزاديخواه نه تنها گسترده تر از قبل ادامه خواهد داشت، بلكه تبديل به طوفاني خواهد كه تمام پايه هاي اين رژيم سرکوبگر را در هم خواهد شكست. كنسرت پرستو احمدی، جواب ميليونها زن آزاديخواه به اين تعرض بود. جوابی كه جمهوري اسلامي ناچار شد آنرا نشنيد بگيرد!

قانون "حجاب و عفاف" با تعيين جرime هاي سنگين و محروميت از خدمات دولتي و اجتماعي، صدور گذرنامه، مجوز خروج از کشور و حتي گواهينامه رانندگي، اقشار محروم جامعه را هدف قرار داده است. طبق اين صفحه ۵

فول‌هایی با پای‌های رُسی

فواد عبداللهی

عکس‌عملی از خود نشان نداد.

با این حال، قریب به اتفاق اپوزیسیون راست ایران - از رضا پهلوی و سایبری‌های اطرافش تا طیف جمهوری‌خواهان، سازمان مجاهدین و قوم‌پرستان همیشه بازنده "کورد"، و تا حزب حمید تقوایی در جناح به اصطلاح چپ در این کلپ - همگام با دولت‌های مرتجع جهانی و منطقه‌ای و در رکاب میدیای رسمی این دولت‌ها، دوباره سناریوی آشنای دست بدست شدن قدرت سیاسی در سوریه را سفیدشویی کردند، از آن به عنوان "انقلاب و آزادی" مردم سوریه اسم بردند و به سیاق نتانیاهو به مردم ایران پیام دادند که به زودی این سناریو هم قرار است در ایران پیاده شود. در میان خیل پیام‌ها به سه پیام "شاخص" می‌پردازیم:

۱- رضا پهلوی به مناسبت "سقوط بشار اسد" مفری یافت تا اعلام کند که ایشان در آینده نزدیک قرار است با کودتای ارتش به نفع "ولیعهد" و با سوار شدن بر تجهیزات نظامی ناتو و اسرائیل وارد ایران "آزاد" شوند:

"شمایی که هنوز در کنار رژیم ایستاده‌اید! آینده خود را در آینه سوریه ببینید و هم‌اکنون از آن جدا شوید. امروز به سرنوشت اسد و "مدافعان حرم" او نگاه کنید. آیا جز ویرانی و تحقیر، چیز دیگری از آن ادعاها باقی مانده است؟ راه خود را از جمهوری اسلامی جدا و از این طریق، آینده خود و خانواده‌تان را تضمین کنید... شما نگهداران این مرز و بوم جاویدید. سرنوشت ایران به دستان شما رقم خواهد خورد. این وظیفه تاریخی ماست که آینده‌ای آزاد و آباد برای کشورمان بسازیم."

جدا از اینکه نسخه‌ی آقای پهلوی چقدر شدنی است اما امکان دست بدست شدن قدرت از بالا به کمک ارتش جمهوری اسلامی، نه فقط گامی برای بزیر کشیدن حکومت توسط یک انقلاب اجتماعی با دخالت وسیع توده‌های مردم نیست، که شکل دادن به یک سناریوی سپاه و حمام خون در جامعه ایران است. جمهوری اسلامی دولت مصر یا بشار اسد نیست که با دخالت ارتش فرو بریزد. نظام "ارتش" در ایران آن جایگاه و مقام را ندارد که با "زور نظامی" آن بشود در بالا به شکل "کلاسیک" مانند آنچه در کودتاهای خونین در آمریکای لاتین رخ داده است، قدرت را دست بدست کرد. نظام ارتش در ایران، سال‌ها پیش در بحبوحه‌ی انقلاب ۵۷، علیرغم توافقات دولت آمریکا با "آیت الله" خمینی برای حفظ همان نقش "کلاسیک" و سرکوبگر خود در نظام پادشاهی، منحل شد! مردم انقلابی از دیپلماسی پشت پرده دولت آمریکا و جریان اسلامی به رهبری خمینی برای انتقال "مسالمت‌آمیز" قدرت از بالا با حفظ ارتش و نهادهای سرکوبگر نظام پیشین، عبور کردند و نظام ارتش شاهنشاهی را با اعمال قهر انقلابی خود منحل و تسلیم قیام کردند. سال‌ها طول کشید تا جمهوری اسلامی، این میلیس مسلح مردمی که از انحلال ارتش احساس شعف و پیروزی می‌کرد را سرکوب و به شکست بکشاند؛ ارتش بعد از انقلاب ۵۷ دیگر هیچ‌وقت نتوانست در قامت "کلاسیک" خود کمر راست کند. آنچه تحت نام ارتش بعد از قیام بهمن ۵۷ "بازسازی" و سرهم‌بندی شده است، دیگر نه در قامت ارتش دوران شاهنشاهی است و نه در جایگاه ارتش مصر و سوریه و شبلی است. ارگان نحیفی است که توسط قیام مردم از مشروعیت "کلاسیک" خود افتاد و از سر "ناچاری" تحت نام "ارتش" به گردن نماینده بعدی بورژوازی

ایران پس از سرنگونی شاه، یعنی جمهوری اسلامی آویزان شد. شکل‌گیری سپاه و "ناجا" و بسیج و انواع و اقسام باندهای نظامی و دخیل کردن آنها در تمام سطوح نیروهای نظامی و امنیتی برای پُر کردن خلاء "سرکوب مستقیم مردم" بود؛ امری که از عهده ارتش شکست خورده شاهنشاهی خارج بود.

خود آقای پهلوی و اپوزیسیون راست هم به این نکته واقفاند که برای دست بدست کردن قدرت از بالا، توسل به ارتش، بیشتر شبیه پروپاگانداست و نه فقط کاری از پیش نمی‌برد بلکه با سد معبر سپاه بعنوان نیروی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی طرف است؛ با نیرویی که حاضر است بنام "دفاع از میهن" نه فقط ارتش موجود را تماماً فتح کند بلکه جامعه را به خون بکشد؛ تلاش آقای پهلوی برای دامن زدن به تنش میان ارتش و سپاه اگر سفاقت نباشد، قطعاً دشمنی کور با مردمی است که برای سرنگونی کل حاکمیت اسلامی با توسل به نیروی انقلابی خود، به میدان آمده‌اند. تلاشی است برای آتو دادن به دست نیروی ایدئولوژیک نظام تا بنام "دفاع از میهن" جامعه را وارد یک سناریوی جنگ داخلی و کشتار بی‌وقفه از مردم آزادی‌خواه و انقلابی کند. بازی با کارت "ارتش"، به امید دست بدست کردن قدرت در بالای نظام، بازی با سرنوشت جمهوری اسلامی نیست؛ بازی با زندگی مردم ایران است! جناح دوراندیش و "واقع‌بین" در اپوزیسیون راست، این نکته را بخوبی فهمیده است. بنام حفظ ارتش در واقع به سپاه و "ناجا" چشمک می‌زند و ارزش مصرف تبلیغات در باب "نگهبانان این مرز و بوم جاوید" را می‌داند. آقای پهلوی برای تشکیل قدرت نظامی خود باید تلاش کند مهمتر از ارتش، ارگان‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از جمله سپاه، "ناجا"، بسیج، حشد الشعبی، فاطمیون و زینبیون را در فردای دست بدست شدن قدرت از بالا، همراه خود کند. پاسداری از "میهن" و "ایران همیشه جاوید" بدون تکیه بر این اهرم‌های ایدئولوژیک برای سرکوب انقلاب مردم در داخل و حمله به همسایگان، ممکن نیست.

بطور خلاصه، نسخه "سرنگونی" آقای پهلوی چیزی جز یارگیری در فردای جنگ میان باندهای نظامی در داخل حکومت نیست. باندها و دستجات نظامی جدا شده از بدنه‌ی حاکمیت که با پشتیبانی دولت آمریکا و ناتو، با رساندن وعده‌ی پول و اسلحه در جنگ بر سر قدرت در بالا، دخالت کنند. پیام ایشان به بخشی از نیروهای نظامی در درون حاکمیت، چیزی جز طراحی یک سناریوی سپاه نیست. هدف اپوزیسیون راست، کوتاه کردن دخالت سیاسی مردم و نیروی اجتماعی شهروندان در تعرض به نهادهای ساختارهای قدرت حاکم است؛ این تمام مضمون "روند گذار مسالمت‌آمیز" جناب پهلوی و اپوزیسیون راست ایران است! پنهان شدن پشت اعتبار نداشته ارتش ایران، پاشنه آشیل جنبش ناسیونالیسم پرو - غرب در ایران است.

۲- عبدالله مهندی اعلام کرد که بلحاظ ماهیت، دست‌کمی از "جولانی" و "تحریر الشام" ندارد و هر وقت دولت آمریکا و ناتو اراده کنند، طبق معمول ایشان و باند مسلح‌شان برای به سرانجام رساندن سناریوی قومی - مذهبی کردن جامعه ایران، کفش و کلاه کرده‌اند:

"در مجموع من فکر می‌کنم که جامعه جهانی نیز به سود یک دولت غیرمتمرکز فراگیر در سوریه که منافع همه اقوام و مذاهب این کشور را تأمین خواهد کرد، تمایل نشان بدهد. وقتی که یک رشته انقلابات مخملین در کشورهای اقمار اتحاد شوروی سابق روی داد، عاقبت خود اتحاد شوروی نیز فروپاشید و از بین رفت. این سرنوشتی است که به احتمال

قوی در انتظار رژیم جمهوری اسلامی ایران است."

از آقای مهدی و قومپرستان کرد انتظار دیگری نمی‌رود. "دولت غیرمتمرکز فراگیر" در واقع اسم بهداشتی پلاتفرم متعفن و چرکین این‌ها یعنی "فدرالیسم قومی" در ایران است. مهدی در این توهم است که گویا باند مسلح ایشان هم مانند باند "جولانی"، زیر سایه کمک‌های تسلیحاتی ناتو و دول مرتجع منطقه، و با دامن زدن به جنگ‌های کور قومی - مذهبی در ایران، بالاخره بتوانند در کردستان به نان و نوایی برسند؛ می‌خواهند همه "اقوام ایران" در یک کشور فدرال براساس قومیت سازمان پیدا کنند. تجربه یوگسلاوی، بوسنی، چین، کوسوو، آذربایجان و ارمنستان، همان "رشته انقلابات مخملین" مد نظر جناب مهدی است که از جنگ اول خلیج در سال ۱۹۹۱ میلادی تا امروز، با آب و تاب انتظار تکرار آن در ایران را می‌کشد. باند مهدی آرزویشان این است که به چیزی شبیه "ارتش آزادیبخش کوسوو" و "تحریر الشام" تبدیل شوند که پایشان در نفرت قومی - مذهبی و سرشان در آخور دستگاه‌های اطلاعاتی دولت‌های مرتجع بین‌المللی و منطقه‌ای است. واقعا کثیف‌اند!

یک حقیقت را مردم ایران و مردم کردستان باید به روشنی بدانند: در اظهارات و مواضع عبدالله مهدی پیرامون "انقلابات مخملین" و "دولت غیرمتمرکز فراگیر"، قساوتی بی‌حد و حصر نسبت به سرنوشت مردم ایران و بی‌درایتی مطلق در قبال مدنیت جامعه موج می‌زند. فدرالیسم قومی و چفت شدن جهالت قومپرستانه با اشتباه دست یافتن احزاب و دستجات قومی به سلطه‌ی سیاسی، درست همچون اسلام سیاسی خمینی، بدون یک تعرض افسارگسیخته به شیرازه مدنیت جامعه و فراهم کردن شرایطی که در آن امکان ابراز وجود اراده‌ی اجتماعی مردم دشوار شود، ناممکن است. تلاش برای حقنه کردن هویت‌های ارتجاعی ملی و قومی بر مردمی که می‌خواهند آزاد و برابر باشند، نمی‌تواند نتیجه دیگری داشته باشد. این مسئله به ما شهروندان جامعه ایران و به مردم کردستان نشان می‌دهد که باید زمین را زیرپای باندها و دستجات قومپرست و ناسیونالیست داغ نگاه داشت و جامعه و صفوف مبارزات خود را از سموم جهالت و تعصبات قومپرستانه تصفیه کرد.

۳- کانال جدید، گفتگویی با حمید تقوایی در مورد سقوط بشار اسد ترتیب داده است که به طور آشکار باندهای اسلامی دخیل در سقوط بشار اسد را سفیدشویی می‌کند. مجری با آب و تاب می‌پرسد: "دو هفته پیش همه‌جا صحبت از بازگشت اسلامی‌ها و برگشت سوریه به ۱۰ سال پیش بود؛ الان کدهایی مانند: دولت فراگیر، سکولاریسم، حجاب اختیاری و باز شدن می‌خانه‌ها در فضای سیاسی مطرح شده‌اند؛ اتفاقات عجیب و غریب افتاده است؛ آیا می‌توانید تصویری از مختصات دولتی که در سوریه در حال شکل‌گیری است، ارائه دهید؟" تقوایی پاسخ می‌دهد:

"چند نکته در مورد تحریر الشام هست؛ یکی اینکه خود این‌ها اعلام می‌کنند که از القاعده جدا شدند. بخاطر اینکه یک اختلاف اساسی در استراتژی‌شان بود؛ القاعده و طالبان و داعش ادعای تحولات منطقه‌ای را داشتند؛ الان تحریر الشام می‌گوید که من فقط به سوریه مربوطم و امرم کشور سوریه است و نمی‌خواهم انقلابم را صادر بکنم. جنبه دیگر اینست که چون دولت اسد آن نیروهای سیاسی را نمایندگی می‌کرد که اختناق و سرکوب را بر جامعه حاکم

کرده بودند، این‌ها (یعنی تحریر الشام) دیگر نمی‌توانند بعنوان دولت اسد همان راه را بروند؛ ساده نیست که این‌کار را بکنند؛ فرق می‌کند با بازگشت طالبان در افغانستان؛ دولت اسد نماینده و پایگاه نیروهای تروریست اسلامی در سوریه بود و تحریر الشام هرچقدر هم اسلامی باشد اما ناچار است در مقابل دولت اسد خودش را تعریف کند و می‌گوید که من آن راه را ادامه نمی‌دهم؛ برای همین اعلام کرده‌اند که مثلا در پوشش زنان نباید دخالت کرد یا خبرها رسیده که مشروب فروشی‌ها و میکده‌ها باز شده و یا از یک دولت فراگیر صحبت می‌کنند و حرف‌های سازمان ملل را قبول می‌کنند. این‌ها نشان می‌دهد که تحریر الشام برای اینکه نقشی بازی کند ناگزیر است که فاصله بگیرد از آنچه که قبلا در سوریه حاکم بود..."

واقعیت اینست که حمید تقوایی و حواریون‌اش، به هوراکشان تمام تحرکات ارتجاعی در منطقه تبدیل شده‌اند؛ جریانی که در سمت چپ سلطنت‌طلبان و فاشیست‌های آریایی، تابلوی جعلی "کمونیست کارگری" را حمل می‌کند. این موجود راست و پرو - ناتویی، که توسط حمید تقوایی رهبری می‌شود، همانی است که آرزوی سوریه‌ای شدن ایران را از سال‌ها پیش در سر داشت، هوادار ترامپ فاشیست بود، حامی دخالت "انقلابی" ناتو در لیبی بود، طرفدار دولت فاشیست اوکراین در جنگ روسیه و ناتو بود و هست؛ و حالا به تطهیر کثیف‌ترین مهره‌ها و جریان‌ات اسلامی در سوریه مشغول است که تا دو روز پیش حتی در سایت سازمان سیا "تحت پیگرد" بودند و میلیون‌ها دلار جایزه برای شناسایی و دستگیری آنها اختصاص داده بودند. امروز این موجودات اسلامی در یک چشم برهم زدن به مقام دولتمدار و دگراندیش رسیده‌اند. در حقیقت، تفاوتی میان "تحریر الشام" و "اصلاح‌طلبان حکومتی" در ایران نیست؛ هر دو "دگراندیش"، "کارشناس" و دولتمدارند. تفاوتی بین شرکت‌کنندگان "دوخردادی" در کنفرانس برلین با "تحریر الشام" که چپ و راست در میدیای رسانه‌های غربی تطهیر می‌شود، نیست. تفاوتی بین اکبر گنجی‌ها، اشکوری‌ها، جلالی‌پورها و قدیم پاسدارها با جولانی‌ها و قدیم داعشی‌ها و القاعده‌ای‌ها نیست؛ همه از یک جنس‌اند؛ همه خواهان دست بدست شدن قدرت از بالای جامعه و بدون دخالت اجتماعی و اراده انقلابی مردم هستند.

از نظر آقای تقوایی، کمونیست‌ها مجاز نیستند که اهداف اساسی در پشت تمام جنگ‌ها و تحولات سیاسی را بررسی و افشاء کنند، بلکه باید به شیوه ایشان یعنی "دشمن دشمن من، دوست من است" برخورد کرد. حتی اگر این جنگ یا تحول با دست بدست شدن قدرت به قیمت تایید جریان‌ات فوق ارتجاعی و کشتار میلیونی و به تباهی کشاندن زندگی مردم، به قیمت نایمن کردن منطقه و رشد میلیتاریسم و قارچ‌های قومی - مذهبی تمام شود. با توجه به تز تقوایی، می‌توان امروز از "آزادسازی سوریه"، سناریویی که حتی طبق گفته‌ها و اظهارات کارشناسان غربی، برای نایمن کردن بیشتر سوریه ساخته پرداخته شده است، دفاع کرد. چراکه به سبب تقوایی یکی از اهداف این جنگ تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه است.

علاوه بر این، تقوایی در این مصاحبه تلاش می‌کند پرو - ناتویی بودن خود و ارزیابی مثبت‌اش از "دست بدست شدن قدرت در سوریه از بلوک روسیه به امریکا" را بعنوان تضعیف جمهوری اسلامی مخفی کند. استاندارد دوگانه و دو - قطبی روسیه‌ی شیطان و امریکای فرشته را امروز احدی نمی‌خرد، مگر اینکه آگاهانه تصمیم سیاسی گرفته باشد که

<p>لایحه‌ی عفاف و حجاب، ...</p> <p>مونا شاد</p>	<p>فول هایی با پاهای رُسی</p> <p>فواد عبداللہی</p>
<p>قانون ارتجاعی افراد توانمند با پرداخت جریمه های سنگین از حقوق اولیه بهره‌مند خواهند شد و زنانی که از شرایط مالی مناسبی برخوردار نیستند، عملاً از خدمات اجتماعی، اقتصادی، و حتی حقوق شهروندی ناچیز خود محروم خواهند شد.</p> <p>مردم و زنان ازادخواه در ایران به این قانون در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن، به تلاش در "طبقاتی کردن" حجاب و ایحاد شکاف در جنبش آزادی و رهایی زن نه میگویند، در مقابل آن و هر تعرضی به دستاوردهای خود با قدرت تمام می ایستند. این تقابل تنها علیه حجاب نیست، بلکه علیه تمامی ساختارهای سرکوبگر رژیم است. جنبش "زن، زندگی، آزادی" ثابت کرده که هیچ‌گونه فشار و سرکوبی نمی‌تواند آن را از پای درآورد. جمهوری اسلامی با تمام سیاست‌های سرکوبگرانه‌اش نمی‌تواند به این مبارزات پایان دهد. این مبارزات در هر زمان و مکان با نیرویی بزرگ‌تر، خلاقانه‌تر، شدیدتر و رادیکال‌تر تا پایان حکومت اسلامی ادامه خواهد یافت.</p> <p>۱۸ دسامبر ۲۰۲۴</p>	<p>به شیپورچی ناتو و دولت آمریکا تبدیل شود. این رویکرد دیگر نه فقط ربطی به کمونیسم ندارد بلکه تماماً یک سیاست راست و ضد انسانی است؛ شارلاتانیسمی است که مایه وحشت مردم از کمونیسم و کمونیست‌ها می‌شود. مخاطب کنجکاو حق دارد از جناب تقوایی بپرسد که با این تز پادروا، آیا فردا انقلاب آتی ایران را به سمت یک سناریوی سیاه سوق نخواهند داد؟! </p> <p>مشکل اپوزیسیون راست ایران با همه جناح‌ها و طیف‌های آن، تناقض در جهت‌گیری مبارزه امروز مردم ایران علیه جمهوری اسلامی با اهداف استراتژیک این اپوزیسیون است. مبارزات اجتماعی مردم در ایران، از دیماه ۹۶ تا خیزش سراسری ۱۴۰۱ و تاکنون، جایی به خودنمایی "انقلاب مخملی" آقایان اختصاص ن داده است. چفت شدن استراتژی این اپوزیسیون به افق ناتو و "دخالت‌های بشردوستانه"، شبیه آنچه نمونه‌های آن در سوریه، لیبی، عراق، اوکراین و ... اتفاق افتاده است، عملاً مانع اجتماعی شدن سیاست این‌ها در سطوح مختلف جامعه شده است. از منظر مردم آزادی‌خواه ایران، کارگران و زنان و جوانان، این اپوزیسیون راست و پرو - ناتویی با باندها و گانگسترهایی تداعی می‌شود که هدفی جز قیچی کردن دخالت اجتماعی توده‌های مردم در روند سرنگونی کامل ساختار حاکمیت و شیوهی اداره جامعه پس از سرنگونی ندارد. این‌ها شبیه به غول‌هایی با پاهای رُسی‌اند که سست و پوک شده‌اند و مدت‌هاست از روند زندگی عادی مردم و مبارزات اجتماعی در ایران بریده‌اند و در حاشیهی جامعه کسب روزی می‌کنند.</p>

قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد.

این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است.

برنامه یک دنیای بهتر



برنامه‌های نینا هر سه شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید. برنامه یک دنیای بهتر

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com



صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی